

هو الله - ای یاران عزیز مهربان بلسان قلم هر...

عبدالبهاء عباس

اصلی فارسی



لوح رقم (277) - من آثار حضرت عبدالبهاء - مکاتیب عبدالبهاء،
جلد 8، صفحه 193

هو الله

ای یاران عزیز مهربان بلسان قلم هر قدر تحریر و تقریر مراتب اشتیاق نمایم از عهده بر نیایم زیرا خامه و مداد بیگانه و صفحه قرطاس نامحرم یاران یگانه پس خوشتر آنکه بنطقی دیگر بیان آرزوی جان و وجدان نمایم اگر بدانید که در ایندم این دل چگونه بیاد شما همدست و چه احساسی مستولی بر قلب و چه تلاطمی در بحر اشتیاق چون محیط اعظم البته از شدت سرور و حبور کأس مزاجها کافور نوشید و چنان جوش و خروشی زیند که خاور و باختر بهوش آرید امیدوارم که چنین شوید و مرغان آشیان علین گردید در این گلشن الهی بر شاخسار معنوی مانند طیور سحر چنان گلبانگی زیند که آهنگش ملاً اعلی را باهتزاز آرد ملاحظه نمائید که در مدتی قلیل شکوه سروران و شوکت سرداران و عزت بزرگان چگونه محو و نابود گشت هر یک از قصر معمور بقبر مطمور افتاد و از اوج عزت در خاک مذلت مأوی جست کان لم یغنوا فیها بلکه هباء منبثا گشت و سراب بقیع یحسبه الظمان ماء گردید او لم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبة المکذبین با وجود این شهود دیگر عاقل را چه مبالاتی و انسانرا چه مباهاتی و بحیات دنیا چه تعلقاتی در این عالم ترابی تحقق وجود نیز مختص باهل سجود است باز آثار آنان باقی و صیت آنان بلند و نسیم آنان در مرور و پرتو آنان در ظهور در جمیع عوالم الهی حتی نقطه ترابی علمشان بلند است و صیبتشان ارجمند رغما عن انفس کل متکبر مغرور و ملحد منفور از یوم آدم تا ایندم چه قدر سروران جهانگیر در روم و ترک و تاجیک پیدا شدند کو آن تاج و تخت و کو آن طالع بخت و کو آن شکوه ملوکانی و کو آن شوکت کشورستانی کل بباد رفت لکن بنده ضعیفی از یاران الهی که در ابتدای ابداع بود الی ختم اختراع در جمیع عوالم الهی حتی در نقطه ترابی باقی و ساقی و برقرار چنانچه مشاهده میکنید



ORIGINAL

که الی الآن از دست مبارک آن آزادگان صهبای محبت الله نوشانوش است پس قدر این ایام را بدانید و
مگذارید که بیوده بگذرد تا توانید بکوشید و بخروشید تا جامی لبریزی از باده شورانگیز از دست یار عزیز بنوشید
و علیکم التحية و الثناء

اللهم یا من تجلی علی الطور و ظهر فی الساعیر و اشرق من فاران و انار من الأفق الأعلى و ظهر من ملکوت
الابهی انی امرغ جبینی و اعفر وجهی بالتربة المقدسة التي فاحت نفحاتها من مرکز الأشرار و عطرت الآفاق و
اتضرع الیک بقلب خافق و عیون دافق بدموع فائضة فی محبتک و صدر منشرح بذکرک و روح مستبشر
بالطافک ان تعطف علی هؤلاء الأصفیاء باعین رحمانیتک و تشملهم بفیوضات ربانیتک و تجعل لهم مخرجا و
ترزقهم من مائدة سماء احدیتک رب اجعلهم مشاعل ذکرک و مهابط الهامک و مصادر جودک و مواقع
نجومک لیهدوا الخلق الی مرکز وحدانیتک و یهدوهم من عطایاء خزائن صمدانیتک و یقودوهم الی مرکز الهدی
و یقودوهم بفضلك و موهبتک بین الوری حتی یردوا الی المورد العذب الفرات و یفدوا وفدا علی رحاب
قدسک یا مولی الوری انک انت الکریم الرحیم العزیز القدیر الجمیل الرحیم الرحمن (ع)